

زنی در پشت، دوربین عکاسی

جلد دوم

زندگی نامه عزت الملوك فرماں روا (برنیا)

مؤلفان

منصوره اتحاديه (نظام مافی)، فیروز فیروز، محمدرضا طهماسب پور

فهرست نویسی پیش از انتشار کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

- سرشناسه: اتحادیه، منصوره (نظام مافی) ۱۳۱۲.
عنوان و نام پدیدآور: زنی در پشت دوربین عکاسی.
زندگی نامه عزت الملوک فرمانفرمایان (پیرنیا)، مؤلفان منصوره اتحادیه (نظام مافی).
مشخصات نشر: نشر تاریخ ایران، ۱۳۹۸.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۶۸۷-۴۸-۱
وضعیت فهرست نویسی: فیبا.
عنوان دیگر: زندگی نامه عزت الملوک فرمانفرمایان (پیرنیا).
موضوع: فرمانفرمایان، عزت الملوک، ۱۳۹۶-۱۲۹۹ ش، عکس ها.
سناسه افزوده: فیروز، فیروز، ۱۳۳۳ ش.
شماره افزوده: طهماسب پور، محمدرضا، ۱۳۴۵.
رده بندی کنگر: رده بندی دیویی: ۹۲۰/۰۵۵
شماره کتابشناسی یک: ۶۰۶۱۹۸۱



نشر تاریخ ایران (شرکت سهامی خاص)

تهران، خیابان فلسطین، ساختمان ۱۱۰، طبقه سوم، شماره ۳۰۴، تلفن: ۶۶۴۶۳۱۳۰

زنی در پشت دوربین عکاسی (زندگی نامه عزت الملوک فرمانفرمایان (پیرنیا)

مؤلفان

منصوره اتحادیه (نظام مافی)، فیروز فیروز، محمدرضا طهماسب پور

اجرا: نشر تاریخ ایران طرح جلد: فریبا علایی

چاپ و صحافی: کتاب شمس تیراز: ۱۰۰۰

چاپ اول: ۱۳۹۸ قیمت: ۱۰۰،۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۶۸۷-۴۸-۱ ISBN: 978-600-8687-48-1

حق چاپ محفوظ و در اختیار نشر تاریخ ایران است.

فهرست عناوین

۷	به قلم دکتر منصوره اتحادیه (نظام مافی) مقدمه
۱۱	به قلم مؤژان خامنه (پیرنیا) بخش چهارم: همراه با حسن - انم
۳۳	به قلم مهندس فیروز فیروز بخش چهارم: خانه عزت الملوک فرمانفرمائیان (پیرنیا)
۴۷	به قلم محمدرضا طهماسب پور بخش پنجم: زنی با دوربین عکاسی
۶۱	به قلم دکتر منصوره اتحادیه (نظام مافی) بخش ششم: روایتی از تصاویر
۶۳	منتخبی از عکس های عزت الملوک فرمانفرمائیان (پیرنیا) فهرست اعلام

مقدمه

عکس به خودی خود چیزی را توضیح نمی‌دهد، بلکه امکان آن را می‌دهد که اطلاعات کسب کنیم، حدس بزنیم، احساس کنیم و استنتاج نماییم. سوزان ستاگ

عکس در شرایط اجتماعی، سیاسی، فرهنگی توسط فرد با موقعیت، ارزش‌ها، اطلاعات و فرهنگ خاص تولید می‌گردد. تفسیر و برداشت بیننده نیز هم شخصی است و تحت تأثیر عوامل اجتماعی و فرهنگی قرار می‌گیرد. از این جهت می‌توان عکس را از ابعاد گوناگون دید و تفسیر کرد.

عکس‌هایی که اینجا منتشر می‌گردد توسط عزت‌الملوک پیریا فرقه‌ایان که همه عزیزی خانم خطاب می‌کردند گرفته شده‌اند. عکس‌ها هنری و حرفه‌ای نیستند بلکه شخصی و خصوصی‌اند. این نوع عکس مردمی یا عام نامیده شده و در غرب درباره اهمیت و جایگاه آن مفصل بحث شده است. ما نیز علت چاپ آنها را در جلد اول این اثر همراه با زندگی‌نامه عزت‌الملوک توضیح داده‌ایم و در اینجا فقط به تفسیر چند نکته پرداخته‌ایم. در طول عمر عزیزی خانم و عده‌ای از اقوام و دوستان به ایران گردی می‌پرداختند و عزیزی خانم همیشه عکس می‌گرفت. منتخبی از عکس‌های این مسافرت‌ها که از ۱۳۳۰ آغاز شد، اینجا عرضه شده چون حاوی اطلاعات جالب توجهی هستند.

می‌پرسیم عزیزی خانم چه چیزهایی را به نمایش گذاشته، چه ارزشهایی را نشان داده. آیا داستانی را بازگو می‌کند، آیا نکته خاصی توجهش را جلب کرده، آیا اگر ما در آن لحظه در آن محل حضور داشتیم همان احساس را می‌کردیم،

۸ زنی در پشت دوربین عکاسی

چه موضوعی برای او اهمیت داشته، انسانی، حیوانی، منظره‌ای، هر چه بوده ما نخواهیم دانست، بلکه با خاطرات و احساسات خودمان عکس را تفسیر خواهیم کرد. از این جهت عکس زمان ندارد.

در یکی از تصاویر «الاق کسری»، ساختمان معظم ساسانی نزدیک بغداد، وجود یک اتومبیل، چند الاغ سوار و یک سگ ولگرد عظیمه بنا را چند برابر کرده و به آن مکان جاذبه خاصی بخشیده. در عکس دیگر از دروازه آن بنا بیابان خشک و بی آب و تلف دیده می‌شود. دو نفر در آن دروازه ایستاده‌اند که احساس خلع را می‌افزایند. بیننده به این فکر می‌افتد که این بنای با است در این بیابان بیانگر چیست؟

چند عکس از رمن گریشمن تم استانتانسان فرانسوی و عده‌ای ببینده، فرانسویان در حال توضیح دادن کشفیات خود می‌باشند معبد ایلامی چغا زنبیل بازه کشف شده. در یکی از عکس‌ها جدیت و شوق گریشمن محسوس است ولی حضار به او گوش نمی‌دهند و دوربین را نگه می‌کنند.

در دیگری پیرمردی عبا به دوش کنار دیوار نم‌ساز، روی زیلو نشسته. جلوی او منقلی است با قوری چای و چپ‌ش. در سمت دیگر چند کتاب روی یک صندلی یا میز قرار دارد. پیرمرد کتاب را با دقت می‌خواند. شاید از دیوان حافظ فال گرفته. این عکس ببیننده را محسوس می‌کند. ویی تابلویی از رامبرانت نقاش معروف هلندی است. در عکس دیگر جوانی در حضور همان پیرمرد نشسته. پیرمرد این بار با تعجب و بانگاهی تیز جوان را می‌نگرد. شاید از خودش می‌پرسد اصلاً این جوان غزلیات حافظ را می‌فهمد. در سفر شیراز، در مزار حافظ، چند خانم جمع‌اند. یکی با لباس تنگ چمباشه زده با دقت مشغول خواندن است. بدون شک او فالی از حافظ گرفته و برای دو نفر خانم دیگر که ایستاده در کنارند با صدای بلند قرائت می‌کند. واضح است به حافظ اعتقاد دارند.

و تخت جمشید، افتخار ایران، هر چند بجز سرستون‌ها، سردرها و پله‌کان معروف، چیزی از این بنای معظم باقی نمانده، عکس‌هایی که عزیزی خانم از سردرها از نزدیک گرفته و صفحه را پر می‌کرده سکوه خیره‌کننده گذشته را به بیننده القاء می‌کند و او از خودش می‌پرسد واقعاً این جا را اسکندر مقدونی به آتش کشید.

تصویر دیگر اتوبوسی کنار جاده خراب شده، دو نفر احتمالاً راننده و کمک راننده روی گل گیر جلوی اتوبوس ایستاده‌اند و سرها را داخل موتور کرده‌اند، شاید بتوانند آن را راه اندازند. اساس مسافری روی سقف اتوبوس بار

شده. راه درازی در پیش است. بدون شک مسافرین کلافه و مضطرب‌اند که قبل از غروب به منزل برسند. عزى خانم و دوستانش برای رفتن به شوش گاه با قطار سفر می‌کردند. در یکی از تصاویر مسافرین را در ایستگاه راه آهن می‌بینیم که مشغول جمع‌آوری اسباب و اثاثیه خود هستند که در روی زمین پهن شده، کسی توجهی به عکاس نمی‌کند. در میان جمع هیكل مردی خمیده دیده می‌شود. او باربر است و روی کول او یک پشته‌ای برای حمل بار قرار داده که امروز کمتر دیده می‌شود.

در بعضی از عکس‌ها سحر، بلذگی، رنج مردم، فقیر و فاصله طبقاتی بسیار ملموس است. عشایر با لباسهای مندرس سوار بر الاغ و قاطر در بیابان‌های خشک و بی‌آب و علف در حین کوچ‌اند.

در عکسی مردی به ظاهر مسن در دالان تنگ چندین گونی سنگین را در گاری بار کرده. الاغ نحیفی آن را می‌کشد. در قسمت دیگر عکس سینی‌های سی‌قره دارد و خانم‌هایی که شاید خریداران عبور می‌کنند لحظه با او هستیم. در عکس بعدی عقب‌گاری را می‌بینیم که از دالان عبور کرده دور می‌شود.

تصویر مردی که با مهربانی لبخند می‌زند در دهان الاغ را محکم می‌کند. زنش یا شاید دخترش پای برهنه روی بار الاغ سوار است. به نظر دخترک خجول است و کسی دارد رویش را بپوشاند. فقر و تنگدستی هر دو شان بسیار حس می‌شود است. با آن فقر لبخند او حاکی از چیست، شاید با هم شوخی کرده‌اند.

عکس‌هایی که عزى خانم از امامزاده‌ها و مساجد گرفته است به سایر عکس‌ها کمتر موفقیت آمیزاند. شاید عکس گرفتن از مکان‌های مقدس و محل عبادت برای زن‌ها سخت بود و از ادای عمل‌شان محدود بود و می‌بایست با عجله عکس بگیرند و رد شوند.

ولی عزى خانم عکس‌های بناهای تاریخی را با دقت بیشتر انداخته. دو مناره از قلعه فلک‌الافلاک بر فراز تپه مرتفع خرم‌آباد بخصوص گیرا می‌باشند.

یکی از عکس‌ها مخصوصاً رو به نور گرفته شده در حالی که آسمان کاملاً روشن است، قلعه، عظیم و تاریک، محلی مخوف و رمزآلود می‌نماید. در تصویر دیگر از همین قلعه عکس از سطح خیابان گرفته شده، قلعه در بلندی قرار دارد و درشکه‌ای در حال حرکت است و مردم هم پیاده یا با دوچرخه در حال عبوراند. کسی به عکاس توجه ندارد.

۱۰ زنی در پشت دوربین عکاسی

برعکس قلعه فلک الافلاک، قلعه شوش که توسط فرانسوی‌ها به سبک قلعه‌های قرون وسطی اروپا ساخته شده در دشت پهناور شوش قرار دارد. در قسمت جلوی دروبین پایه‌های ستون‌های سنگی قصر آپادانا در بیابان پراکنده‌اند. شخصی روی پایه‌های یکی از ستون‌ها نشسته، شخص دیگری از او عکس می‌گیرد و در عین حال عزیزی خانم از کل این منظره عکس گرفته است.

چندین عکس از بازارهای مختلف انداخته که هر کدام جاذبه خاصی دارند. مردم در دالان‌های تو در تو تاریک در رفت و آمدند. بیرون هوا روشن است. زرد آفتاب مانند شیار مهربان از منتهای سقف آجری به داخل تابیده. داخل با نور چراغ‌های مغازه‌ها روشن است. تابستان است و بدون شک هوا گرم و نمناک می‌باشد.

اگر بخواهیم یکی از عناصر شایع عکس‌های عزیزی خانم را نام ببریم باید گفت آب است. عکس جوی آب در باغات قدیمی ایران، رودخانه‌ای که کنار آن کله گور و به چرا مشغول است، زاینده رود کماکان کم آب با پل معروف خواجه ساخته عهد شاه عباس دوم صفوی، بند امیر که امروز خراب شده و از بین رفته، استخر جلوی چهل ستون، استخر پارک سعدی، استخر کوه سنگی، رودخانه کارون، آبناهان معروف شوشتر، و سد دز هنگامی که آن را می‌ساختند. بی‌شک علاقه به آب و آبنما در کشوری توهستانی و خشک یک حس طبیعی بود و او که به همه جا سفر کرده بود معجزه‌ای آب را لمس کرده برای آن احترام قائل بود. هر کجا آب می‌دید عکس می‌گرفت که از خاطر نبرد.

چند عکسی که از این مجموعه اینجا تفسیر شد هر کدام گویای لحظه‌ای فرار و زودگذر از نظر عکاس می‌باشند و همانطور که ما سعی کردیم داستان هر یک را بازگو کنیم، هر بیننده به فراخور ذوق خود عکس‌ها را تعبیه خواهد کرد و امید است که این آغازی باشد برای شناسائی و ارج نهادن به این نوع عکس‌ها که بدون شک در کشور ما بسیار است.